

شما صوفیه عمرها اگر بگذارید ملت سرنوشت
خود را روشن میکنند و سرنوشت ساز میشوند



احمد سردار، خبرنگار افغان که برای خیرگزاری فرانسه کار می‌کرد، همراه با همسر و دو کودکش در حمله مقاومت مسلحانه اسلامی!!!! در هوتل سیرینا کابل به شکل وحشیانه کشته شدند که تاریخ نذیر این جنایت را ندیده (جمله مقاومت مسلحانه اسلامی!!!! از من نیست از شرف باخته های تاریخ زده است)

**ترا در زیر چادری شناختم
بدون فکر کردن دل باختم
زمانی رخسار بد تو دیدم
پشیمان شدم، یخن در یدم
مولانای ثانی**

آری اگر ملت بمیرد، ذلت نمی پذیرد. من قبلاً انتقاداتی مستقیم، روشن، بی پرده و برهنه، نه در حجاب قلم، نوشته های خانم صوفیه عمر، نویسنده جمله دردناک "مقاومت مسلحانه اسلامی با شدت نه تنها باشدت با نفرت" را نقد کردم تا خوانندگان این قلم قضاوت خود را کرده باشند و خانم صوفیه عمر را من متهم به دلباختگان روش طالب مزدور و شرف باخته که هر روز در وطن من مردمان ملکی را بی رحمانه و وحشیانه به نام خدا(ج)، بنام قرآن، بنام محمد(ص)، به نام دین و مذهب و به بهانه حضور خارجی ها می کشند.

حتی بالای زنان، اطفال، پیرزنان و پیرمردان هم رحم نمی کنند و بهانه حضور خارجی ها را میگیرند. اقوام افغانستان را بی رحمانه می کشند، آتش می زنند، پوست می کشند و به فکر از این هستند که بعد از جنایت و قتل، با خانم های خوش صورت خیالی در بهشت هم خواب می شوند. اگر دینی با تشویق زنا و لواط بهشتی را وعده می دهد، لعنت به آن دین و مذهب، این حرف دین و مذهب نیست، تفسیر زن پاره های علمای بی وجدان است که کودکان ها را در خدمت خود قرار می دهند و انسان های مظلوم را به خاطر منافع شخصی و سیاسی خود، توسط احمق ها می کشند. پایگاه این کودکان شرف باخته و مزدور اجنبی در قبایل پاکستان، در کوئته و در ممالک عربی و دولت های اطراف افغانستان، حتی در غرب و امریکا آشکار، نه مخفی وجود دارند، از اجنبی پول می گیرند، در خدمت اجنبی هستند و سر در محراب ردالت به نام نماز می گذارند. به هیچ صورت انتخابات غیر دموکراتیک، نه تنها در افغانستان، بلکه در سرتا سر دنیا مورد قبول من نبوده و من می دانم که انتخابات افغانستان هم انتخابات دستوری است، دستور دادن اشتراک در انتخابات توسط گلاب الدین و دستور اشتراک نکردن توسط طالبان، دستور این دو قماش اوباش نیست، دستور اجنبی های داخل و خارج است که این هردو از دهن گشاد سرنای سیاست و مذهب پف می کنند و ملتی که از دین و سیاست خبر ندارد، دنباله روی می نمایند.

خانم صوفیه عمر تمام نوشته خود را به شکل ظالمانه نوشته تا طرحهای ملامع را در قسمت انتخابات در لابلای جملات خود آشکارا تبلیغ کند. آنچه که ملامع و دیگر مزدوران تاریخ زده علیه انتخابات مطرح می کنند، خانم صوفیه عمر هم آنها سر آخور سیاست به شکل دوپهلو نشخوار می کند. همه سطرهای نوشته صوفیه عمر تحت این عنوان دیده می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

(بنام خداوند بخشاینده و مهربان)

وقت آن رسیده که ملت سر نوشت ساز خود گردد

در لابلای جملات خیلی زیبا زیرچادری سیاست، آرایش قلم می کند و به خاطر تجارت دینی و مذهبی خود، درس نوشته خود " بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" را آورده چون روابط دوستانه با محترم عمر خطاب دارد. این "بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" تکیه کلام او می باشد و او را ملامت هم کرده نمی توانیم، مجبور است که اقوام افغانستان را به نام دین و مذهب، خر بسازند و یک تلویزیونی که بدون پول ادامه دادن نشراتی آن ناممکن است، باید یک مدرک درآمد مشروع و یا غیرمشروع داشته باشد و هم ضرور است که چند نفر داشته باشد تا مردم را در تلویزیون دو و دشنام دهند و چند نفر داشته باشند که برنامه سازان او را تائید و یا رد کنند و به چند نفر دیگر ضرورت دارد که هرکی حق گفت او را به نام کافر و مرتد به نام اسلام توهین کنند و دو و دشنام دهند تا تجارت مالی، سیاسی، دینی و مذهبی شان رونق بگیرد و چند خر را در داخل و خارج که آنها هم سر دین تجارت می کنند. آغاز سخن شان " بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" به همین الفاظ ردالت های شان آغاز می یابد. خطاب و صوفیه عمر تاجران دین و مذهب، دنباله روان طالب و گلاب الدین هستند و هم اشخاصی هستند که کار غیراسلامی یعنی کف نمی زنند، در بین سخنان هردو " الله اکبر " میگویند و کف زدن را حرام می دانند.

کسانیکه عنوان نوشته های خود را با " بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" آغاز می کنند، میدانند که نوشته های شان پرنت می شود و بعد از استفاده به زباله دانی با دیگر کثافت یکجا ریخته می شود، اینها چون اسلام را بهتر می دانند، کار اینها، کار اسلامی است. اولین بار این کار قبل از دیگر تاجران دین، گلب الدین بود که قرآن را از کلکین لیله پایان انداخت تا مخالف خود را متهم به مرتد بودن و کمونست بودن و بی احترامی به قرآن، دین و مذهب کند و آن وقت یک تعداد احمق هم دنبال او داد و فریاد سردادند، تا احمق درجهان است، مفلس در نمی ماند. من متعصب نیستم و مخالف این هم نیستم که کدام شعبده باز با چه نیرنگی تجارت دینی می کند، ولی حرف من در این جا است که چرا در نوشته خود یک بام و دو هوا می سازند.

آری کسانیکه همراه مجاهد بودن و امروز در دولت کزری هستند یا نیستند، جنایت کار هستند، نه تنها مجاهدین، دار و دستۀ داوود و شاه، حزب دموکراتیک خلق، چپ های فروخته شده مثل رنگین داد فر اسپینتا، انجو های خاین وطن فروش مزدور، حتی سر ناموس ملت افغانستان دریغ نکردند، همه خاین هستند.

روح مطلب اینجاست که خانم صوفیه عمر جرأت این را دارد که از دیگر قاتلین ملت افغانستان نام بگیرد و آشکارخاین وطن فروش را قلمداد کند و آنچه که ملاعمر در قسمت انتخابات گفته، خانم نشخوار قلم سازد.

طالب مزدور، وطن فروش، خاین، شرف باخته را " **مقاومت مسلحانه اسلامی** " بگوید، معلوم است که خانم عمر مثل مسلمانان سنتی که در خانواده مسلمان به دنیا آمده اند، نماز، کلمه و " بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" را طوطی وار نشخوار می کنند تا آبی در آسیاب کثافت هدف خود سرازیر کنند و دین و مذهب را مثل دیگر جایداد پدر به میراث گرفته اند و از واقعیت های اسلام به قدرسوزن نمی داند.

کسانیکه واقعاً مسلمان و از افغانستان هستند و حلقه غلامی برگوش ندارند و ضد انسان و انسانیت نیستند و اسلام را به شکل درست تمرین می کنند، سر اسلام تجارت نمی کنند. طالب بی وجدان، مزدور، وطن فروش، دین فروش را نه " **مقاومت مسلحانه اسلامی** " نمی خوانند و نه می پذیرند و طالب را یک موجود وحشی و شرف باخته می دانند.

این گرو خود فروخته که نه حیثیت دارند، نه شرف دارند و نه ناموس، با مجاهد و دولت کابل، سگ زرد برادر شغال است. آن جنایتی که شاه پرستان، داوود پرستان، حزب دموکراتیک خلق و مجاهد کرده بود، این وطن فروشان مزدور صد چند کرده اند. شکستن بت های بامیان و موزم های افغانستان مشت نمونه خروار است و همه می دانند که اینها مزدوران خود فروخته و شرف باخته هستند.

صوفیه خشو در یک بام قلم استاده شده به پسر و زن پسر خود میگوید هوا گرم است، سینه به سینه بغل به بغل نه خوابید که مریض می شوید، در همین بام که داماد و دخترش هم درحال خوابیدن هستند، به دختر و داماد خود میگوید هوا سرد است، سینه به سینه بغل به بغل و نل بخاری را داخل دودکش بخاری کنید که خنک نخورید و مریض نشوید.

معلوم است که خانم صوفیه عمر مسلمان سنتی و در خانواده مسلمان به دنیا آمده، نماز کلمه و "بسم الله الرحمن الرحيم (بنام خداوند بخشنده و مهربان)" را طوطی وار مثل دیگر جایداد پدر به میراث گرفته و از واقعیت های اسلام به قدر سر سوزن آگاهی ندارد. طالب شرف باخته و مزدور "مقاومت مسلحانه اسلامی" نیست و هم حق ندارد نمایندگی از اسلام کند و خانم از روی عقده مزدوری دیگر شرف باخته ها و مزدوران دینی و مذهبی را مرتد، نامسلمان، دزد و رهن می خواند و هیچ کار مجاهدین و دیگر تیکه داران دین و مذهب مورد پسند خانم صوفیه عمر قرار نمی گیرد و نمی داند که سگ زرد برادرشغال است.

خانم صوفیه عمر تا زمانیکه تو صادقانه نگویی که من یک طالب سرلج هستم و یا اعمال طالب را مستقیماً تقبیح کنی و صف خود را از صف زنان مبارز که در برابر بی عدالتی حزب دموکراتیک خلق، مجاهد، طالب، پیروان حکومت کرزی، دار و دسته شاه و داوود مبارزه می کنند و مبارزه کرده اند، جدا سازی، من ترا رها نمی کنم.

من می دانم که چرا تو بعد از سالهای طولانی نوشته هایت را در سایت افغان-جرمن به نشر رساندی، اگر هزار بار عکس سرلج خود را به نشر برسانی، من چال ها و مکر های تاجران دین و مذهب را بهتر از خودشان می شناسم. تاجران دین و مذهب در افغانستان، اقوام افغانستان را به نام دین و مذهب شکنجه کرده اند، کشتند، به زندان انداختند، از وطن فرار ساختند، تاپه کافر و مرتد به پیشانی مسلمانان واقعی زدند.

وقتیکه تو طالب بی وجدان، وطن فروش، مزدور اجنبی را "مقاومت مسلحانه اسلامی" میخوانی، معلوم است که تو یک تاجر بی خبر از دین و مذهب و اسلام هستی، اعمال خائنین مورد تائید تو است. اگر زیر کاسه تو نیم کاسه مکارگی نیست، چرا مثلیکه مشت دیگر خائنین را باز می کنی، از طالب را که دشمن تاریخی مردم افغانستان هستند چرا باز نمی کنی و آنها را "مقاومت مسلحانه اسلامی" می خوانی.

خانم صوفیه عمر تو می دانی که طالب اگر دوباره با بیریش های خود بیایند، با نکتایی و ریش تراشیده می آیند، نه مثل ملا عمر با ریش شبش پُر و با ریش تراشیده و تنبان و پیراهن یخن دوزی قندهاری. این بار خوداش و بیریش هایش مانند تو سرلج به خاطر فریب مردم شریف افغانستان عکس می گیرد و با خانم کرزی زانو به زانو می نشیند.

من به وجدان قسم می خورم که با تو هیچ نوع مخالفت و خصومت ندارم، با مفکوره عصر حجر تو سخت مخالف هستم که هنوز تو و باداران تو به فکر این هستید که زن کشتزار مرد است. من سرخود ایمان دارم ترا با این افکار عصر صیقل سنگت مجال نمی دهم که در صفوف زنان مبارز رخنه کنی، با یک دست گرفتن دو تربوز ناممکن است.

باز شعر قبلی را تکرار می کنم:

**در گلیم پشمی سر تا پای پوشیده
محراب خم ران پاک و تراشیده
کف پای نازنین اش دست دعا
به نام دین زیر حجاب خرامیده
مولانای ثانی**

و در آخر می نویسم که مثل تو زنان به غیر از قماش دیوانگان دین و مذهب که تکلیف روانی شما را دارند، در بین زنان مبارز جای ندارند که کف پای نازنین اش دست دعا باشد و به نام دین زیر حجاب خرامیده باشد.

مردم افغانستان، خصوصاً زنان تحصیل کرده و شجاع دیگر به زنان مکار، دنباله رو، شرف باخته، مزدور داخلی و خارجی، مجال نمی دهند و زنانیکه در برابر تاجران دین و مذهب مبارزه می کنند تا حال اگر تو و دیگر هم قماشان ترا نشناخته باشند، احمق ترین انسان روی زمین هستند.

از خانم های مبارز، انسان دوست، وطن پرست و آزاده که حق خود را از حلقوم شیر می کشند، بر ضد تاجران دین و مذهب مبارزه عادلانه می کنند، خواهش می کنم یا دین فروشان را از صف خود دور کنند و یا تجدید تربیت نمایند.

زنانی که آگاهانه طرفدار مجاهد و طالب هستند، اینها جزایمی هایی می باشند که قابل تداوی نمی باشند. زنان پاکیزه از آنها خود را دور نگهدارند، تاجران دینی و مذهبی در دولت اسلامی ماری هستند در آستین ملت افغانستان.

تا دین از سیاست و دولت داری جدا نشود، مردم افغانستان از شر تاجران دین خلاصی ندارند، مثل حالا سالها در گروگان این قماش بی وجدانان باقی می مانند.
آیا خانم عمر از زیر بته های که سگ پا بلند می کند و در آن شاش می نماید، سر بلند کرده و چشم در این جهان باز نموده و از عاطفه انسانی خبر ندارد؟!
اگر این مکتب و این ملاست حال طفلان خراب می بینم.
به خاطر قضاوت خوانندگان این قلم، نوشته محترم خانم صوفیه عمر را در زیر نوشته خود با تازه ترین عکس خانم صوفیه عمر به نشر می رسانم.



(بنام خداوند بخشاینده و مهربان)

وقت آن رسیده که ملت سرنوشت ساز خود گردد
با گذشت سیزده سال هنوز این سوال در ذهن ملت حل نشده که چطور کنفرانس نامیمون بن پی
ریزی شده بود؟ غرب اعضای آنرا چگونه و به صلاحیت کی ها انتخاب نمود که در فرجام کار،
سرنوشت ملت را یک بار دیگر به آزمون شدگان سیاه روی جهاد فروش افغانستان سپرد و وحدت
ملی را در مذبح انتقام از واقعه یازدهم سپتامبر قربانی کرد!! وارثین اصیل این کشور که با
حصاری از سپر سینه های خویش از این کشور بدفاع برخاستند و با نثار خون های پاک خود، جهاد
را به پیروزی رسانیده بودند، کنار زده شدند و سرنوشت شان به دست مجرمین جنگی و دلالان
سیاسی، به خصوص خود فروخته های ائتلاف شمال که امضای قرارداد صلح با لشکر 40 اتحاد
شوروی را در کارنامه سیاه شان دارند، سپرده شد.

کشور های مداخله گر و بخصوص همسایگان نامروت نیز، جنگ در برابر وطن دوستان ما را آغاز
نمودند! هر کدام چاکران زر خرید شانرا از هر طرف با پول و امکانات وسیع و شعار های تقلبی
مزین ، و یکی را بعد دیگر، در بازار سیاسی کشور چندپارچه از ضربت تیغ قومیت گرائی ما،
وارد صحنه رقابت های سیاسی نمودند! امروز سرنوشت من و تو توسط ، پاکستان، ایران، روس،
عربستان، امریکا/ناتو دست پرودگان شان تعیین میشود! غافل از اینکه این سرزمین از خود
وارثانی دارد که هیچ ابر قدرتی نتوانسته آنان را سرکوب و این سرزمین را تسخیر نماید. استوار
قامتانی که در بدترین شرائط با دستان خالی توانسته اند از حاکمیت ملی و افتخارات تاریخی شان
دفاع نموده و از این خاک مقدس حراست نمایند، هنوز هم در صحنه حضور دارند. ما از حالت
فلاکت بار کنونی سرانجام بیرون خواهیم شد اما تحقق این هدف فقط نیازمند همدیگر پذیری و اتحاد
است. وقت آن است تا حلقات وانجمن های اجتماعی، احزاب سیاسی غیر وابسته به اجانب، جامعه
مدنی و رسانه ها باید به منظور رسیدن به این هدف، مبارزه مسالمت آمیز را برای به وجود آوردن
یک افغانستان واحد، دست بدست هم بدهند. بر همه ما فرض است تا در این مرحله سرنوشت ساز
از تاریخ کشور و نجات خانه مشترک همه افغانها از جنگ و برادر کشی، قدم های استوار و
متحدانه برداریم.

اولین قدم وطندوستان - حرکت در برابر انتخابات دروغین و غیر قانونی است، که قرار است بزودی
برگزار گردد. باز همین سیه رویان: جنگسالاران، ناقضین حقوق بشر و چاکران حلقه به گوش
سرنوشت من و ترا رقم میزنند! هموطنم! من و تو در طول چند دهه گذشته شاهد ریختن خون
عزیزان خود بوده ایم. حق تعیین سرنوشت کشور ما حق من و تو است زیرا بیشترین مصیبت این
جنگ ها را من تو با قربانی دادن عزیزان خود تحمل کرده ایم. این جانیان آنقدر انسان کشتند، که
در شفاخانه ها جا نبود و زخمیان و اجساد شهدای مظلوم را به دهلیز های وزارتخانه ها منتقل می
کردند. این همان وحشی صفتانی هستند، که کابل زیبا را به خاطر پول و قدرت زیر و رو کردند و
65000 کابلی مظلوم را یا کشتند و یا متواری و فراری ساختند! خانه های ما را ویران ساخته ، به
آتش کشیدند و در پرتو آتش آن، آینده های شرمسار و فرعونی شانرا رقم زدند!

هموطنم: نباید اجازه دهیم که همان عناصر، باز با سرنوشت من و تو بازی نموده و بار دیگر بر
سرنوشت ما و شما حاکم گردند. ما با انتخابات و تحقق اراده ملت از راه شرکت در انتخابات هرگز
مخالف نیستیم، ما برای انتخابات و اراده آزاد ملت، سالهاست که در بوری را قبول کرده ایم اما
انتخابات ملی، دیموکراتیک و شفاف از خود شرایطی دارد. زمانیکه اکثریت مردم نمیتوانند در
انتخابات شرکت کنند، چطور می توان آنرا انتخابات سرتاسری نامید و چطور می توان نتیجه چنین

انتخاباتی را مشروع و قانونی خواند؟ هموطنم، خواهر و برادرم: این انتخابات برای تحکیم و دوام برده گی و بدبختی من و تو رقم زده شده است بنابراین بر همهء ماست تا نگذاریم بار دیگر به برده گی کشیده شویم. به پا برخیز و با قلم و قدم و از راه های مسالمت آمیز، جلو انتخاباتی را که تقلب در آن از همین اکنون مشخص است بگیر. جنگسالاران، جنایت پیشگان جنگی، امریکا/ناتو باز برای من و تو دام دیگری گسترده اند! حلقه های این دام را پاره کن و زمام سرنوشت خود و کشورت را خود بدست بگیر. این شربت به ظاهر شیرین که امریکا/ناتو که به نام دیموکراسی توسط چاکران شان در گلوی من و تو میریزند، زهری است که جز مرگ و بدبختی چیز دیگری را در قبال ندارد. خواست امریکا از افغانستان چیست؟

1- امضای پیمان امنیتی

2- انتخابات نمایشی برای بقدرت رسانیدن مزدوری دیگر.

3- در نتیجه دوام جنگ و آینده نامعلوم افغانستان.

اما راه حل منطقی به باور ما اینست:

1- اعلام خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان و آغاز مذاکرات با مقاومت مسلحانه.
2- آتش بس و آغاز مذاکرات میان مقاومت مسلح و جهت های مختلف افغانی (دیالوگ بین الافغانی)

3- بمیان آمدن یک حکومت موقت متشکل از همه جهت های مطرح در افغانستان تا راه غلطی را که از کنفرانس بن تا امروز پیموده شد، اصلاح نماید.

4- آماده شدن زمینه برای انتخابات سراسری، عادلانه و شفاف و بدور از مداخله بیگانگان.

5- بمیان آمدن یک حکومت قانونی و مشروع که حمایت اکثریت ملت را با خود خواهد داشت.

امریکا در سال 2001 بعنوان یک طرف جنگ وارد افغانستان شد و در طول بیش از دوازده سال گذشته درگیر جنگ بود و امروز خود امریکائی ها هم اعتراف می کنند که این جنگ به بن بست رسیده است. وقتی یک جنگ به بن بست می رسد، ایجاب عقل و تدبیر اینست که باید مذاکرات صلح آغاز گردد. بنابراین امریکا بعنوان یک طرف اصلی جنگ، اگر واقعا خواستار حل مشکل جنگ در افغانستان است، باید مذاکرات صلح را با مقاومت مسلح آغاز نماید. به اساس احصائیه بزرگترین منبع خبری امریکا، خبرگزاری (سی-ان-ان) بیشتر از 82 فیصد مردم امریکا مخالف جنگ در افغانستان بوده و بیشتر از 75 فیصد مردم خواهان برگشت عساکر امریکائی از افغانستان هستند.

اما امریکا می خواهد نه بعنوان یک طرف اصلی جنگ، بلکه بعنوان میانجی میان حکومت کابل و مقاومت مسلح ایفای نقش نماید که این موقف مغرورانه امریکا مانع اصلی در راه صلح در افغانستان است.

مقاومت مسلحانه اسلامی هم باید با درس گرفتن از ناکامی های حکومت داری گذشته، به فکر انحصار قدرت نباشند و در این رابطه جای خوشحالی است که رهبری طالبان در اعلامیه هائی که مناسبت های مختلف، صادر نموده اند، تلاش در جهت انحصار قدرت را مانع صلح در کشور دانسته اند. پس باید حکومت آینده بر بنیاد شایسته سالاری شکل گیرد و دانشمندان و وطن دوستان ملی و غیر وابسته به بیگانگان مجال خدمت به این ملت رنج کشیده را بیابند.

اگر چنین نشود سرنوشت تاریکی در انتظار افغانستان خواهد بود و انتخابات بجای اینکه افغانستان را از بحران نجات دهد، بحران های مصیبت بار تری را به این کشور تحمیل خواهد کرد. انتخابات در بخش کوچکی از افغانستان امکان برگزار شدن دارد و آقای کرزی و جبهه شمال در این انتخابات در تقلب باهم رقابت خواهند کرد که ناامنی های گسترده چنین فرصت را بیشتر برای آنان مساعد خواهد ساخت.

انتخابات در موجی از اعتراضات کاندیدا های شکست خورده به دور دوم خواهد رفت و در دور دوم «اگر برگزار گردد» باز هم توام با تقلب گسترده خواهد بود. کشمکش ها ادامه خواهد یافت و چنین انتخابات هیچ مشروعیتی برای کاندید پیروز به ارمغان نخواهد آورد. در نتیجه امریکا و سایر کشور های بیگانه مداخله خواهند کرد و یک حکومت ائتلافی را از جنگ سالاران و دزدان از غرب آمده بمیان خواهند آورد. بعبارء دیگر کشور ما مانند یک لاشء بیروح میان چند لاشخور و کرکس قسمت خواهد شد و هر کدام که چنگال و منقاری نیرومند تر دارد، بخش بیشتری از این لاشء را به خود اختصاص خواهد داد.

هموطن مسلمان، اهل هنود و...، اکنون تصمیم با توست که با این انتخابات تقلبی، راه جنگ را انتخاب می کنی و یا با رد انتخابات و عدم شرکت در آن، مخالفت خود را به دوام جنگ و برادرکشی، و تعهد خود را به تامین صلح در افغانستان به نمایش می گذاری. تو باید حاکم بر سرنوشت خود گردی و دست رد به سینه جنگ طلبان و آنانی بزنی که بنام تو و در غیاب تو با دشمنان تو معامله می کنند.

زنده باد همبستگی و وطندوستان. پاینده باد افغانستان واحد و سربلند.
با عرض حرمت/ صوفیه عمر

و هم بخاطریکه دربین این زنان، زنانی وجود دارند که در برابر مردسالاری ، دین سالاری ، مذهب سالاری ، قبیله سالاری ، فاشیستان دینی- مذهبی، منطوقی، قومی ، نژادی، مبارزه صلح آمیز با زبان و قلم می کنند، جای دارد که عکس های این خانم ها را به نشر برسانم که زیب نوشته من گردند و اگر خانم هاییکه در زیر تصویرشان دیده می شود با نوشته من مخالف هستند یا در سایت ها بنویسند و یا به این ایمیل با من درد دل قلمی کنند. هرگاه من در نوشته خود اشتباه کرده باشم، معذرت می خواهم و با جرأت می گویم که نوشته من اگر اشتباه است یا نیست، نمایندگی از عقیده من می کند و آئینه وجدان من است.

benamnewspaper@hotmail.com





عکسی را که در ذیل می بینید، خانم از آزادی و حقوق انسانی خود استفاده کرده، آنچه دل اش خواسته آرایش زنانه نموده، او را من نمی شناسم و از عکس خانم معلوم می شود که این خواهرم تف بر روی تاجران دین و مذهب انداخته، من این عکس را خیلی دوست دارم. زن بودن در ساده گی نیست، در آرایش زنانه است و زن هم حق دارد که چادر بپوشد یا نپوشد، انتخاب لباس به شرطی که اجباری نباشد، حق خود انسان است، اگر مرد باشد یا زن و اینکه می گویند لباس پوشیدن انسانها خلق پسند باشد، آزادی های انسان را زیر سوال می بردند. بگذارید که انسانها خودشان لباس خود را انتخاب کنند، نظر دادن کار خوب است و فشار آوردن به خاطر لباس کار درست نیست.



همان چیز که تن مرد دارد، تو داری
 نه کمبود جانم، بلکه اضافه تو داری
 هزاران تاجر دین قربان زن گردد
 شرافت و عزت به نام مادر تو داری

ملت آزاده و با شرف، ملت نیست که مرگ را بر ذلت ترجیح می دهد و زن با وجدان و آزاده، زنیست که تن به مرگ می دهد، نه به مرد سالاری و تاجران دینی و مذهبی. شرافت و حیثیت زن در کلچر و فرهنگ مزخرف یک جامعه نیست، بلکه در آزادی خود زن است که با مزخرفات مبارزه می کند و جامعه انسان نوین می سازد.

benamnewspaper@hotmail.com

